

## پازهم درباره "مرگ ناگهانی" و پیش از پیش مشکوک احمد میرعلائی

پیش از این نوشتیم که در ساعت های پایانی روز سه شنبه دوم آبان گذشته، جسد بی جان احمد میرعلائی مترجم پُرکار و پُرتوان معاصر را در یکی از کوچه های اصفهان یافتند ("خبرنامه" شماره های ۱۹ و ۲۰).

با گذشت زمان، این "مرگ ناگهانی" و "مشکوک" همچنان در ابهام مانده است. مقامات رسمی از پرداختن به این امر حذر دارند. یکی از مقامات روحانی طراز اول شهر در پاسخ خبرنگاری خارجی که از چگونگی این "مرگ ناگهانی" می پرسید، گفته است که میرعلائی اصلاً به مرگی عادی درگذشته است و آنهم بر روی تخت بیمارستان و پس از ابتلا به بیماری! اما اکنون بیش از پیش روایت دیگری از این "مرگ ناگهانی" بر سر زبان ها افتاده است: در آنروز سه شنبه صبح، احمد میرعلائی را به بازجویی به اتاق هتلی برده اند (روال، فعلی چنین است که سین-جیم را در اتاق های مهمانخانه ها و هتل ها انجام می دهند). در این پرسشگاه است که احمد میرعلائی جان می بازد. گفته می شود که پرسشگران که می خواهند این مرگ را از نتایج استعمال مفرط مشروبات الکلی جلوه دهند در خون او به تزریق الکل می پردازند، سپس جسد را در کوچه ای رها می کنند.

بر احمد میرعلائی چه گذشته است؟ به این پرسش درباره مرگی بیش از پیش مشکوک فقط یک هیئت تحقیق بین المللی می تواند پاسخ دهد.

## نتایج سفر موریس کاپیتورن به ایران

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد یکبار دیگر جمهوری اسلامی ایران را بخاطر نقض صریح حقوق بشر محکوم کرد (رادیو آ.اف.آی، بخش فارسی، ۲۶ آوریل ۹۶). سرانجام پس از پنج سال مخالفت جمهوری اسلامی، آقای موریس دانبی کاپیتورن توانست بعنوان نماینده و گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد سفر شش روزه ای از ایران برای بررسی وضعیت حقوق بشر در این کشور، به عمل آورد. در این سفر که از ۱۰ ژانویه تا ۱۶ ژانویه ۹۶ به طول انجامید، نماینده کمیسیون حقوق

بشر سازمان ملل متحد عمدتاً با مقامات رسمی جمهوری اسلامی، پاره ای از شخصیت ها و تنی چند از زندانیان سیاسی ایران ملاقات و گفتگو کرد. وی در پایان سفر خود در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی عمیق کرد و افزود که در ایران، خود ایده حقوق بشر نادیده گرفته می شود. او در عین حال این نکته را می پذیرد که شرایط ملاقات ها و سفرش در ایران به او اجازه نمی دهد که تصویر کاملی از وضعیت حقوق بشر در ایران به دست دهد. آقای کاپیتورن اظهار داشت که "جمهوری اسلامی همچنان به چشم پوشی گسترده خود ایده حقوق بشر ادامه می دهد که حافظ منزلت فرد انسانی، خارج از هر نوع ملاحظات سیاسی، است. او نه تنها به کمیوها و نواقص نظام حقوقی، تداوم دادگاههای انقلاب اسلامی، اعدام های بی شمار، آزار و تبعیض نسبت به اقلیت های دینی، بویژه اقلیت بهائی، رودن افراد و اعدام های دسته جمعی اشاره می کند، بلکه اعزام گروههای تروریستی به خارج از کشور، حکم قتل سلمان رشدی و بی عدالتی را که زنان ایرانی از آن همچنان در رنجند، مورد انتقاد قرار می دهد. موریس دانبی کاپیتورن در بخش دیگری از اظهارات خود می افزاید که در ایران مفهوم حقوق بشر بطور عمومی بعنوان نظامی ارزشی و ناظر بر رفتار و حافظ شان و منزلت انسانی پذیرفته نمی شود. او سپس از قول عباس امیرانتظام نقل می کند که تنها در یک شب پائیز ۱۹۸۱ هزار و صد تن از زندانیان سیاسی ایران به جوخه های اعدام جمهوری اسلامی سپرده شدند. آقای کاپیتورن با استناد به خبرگزاری چین جدید و به نقل از مقامات رسمی جمهوری اسلامی می افزاید که تنها از ۱۹۸۹ چهار هزار تن به اتهام قاچاق مواد مخدر در ایران اعدام شده اند (آ.اف.پ.، خبرگزاری فرانسه).

کرد. براساس اظهارات رئیس پلیس استانبول، اورهان تازانلر، فرد دستگیر شده از حمایت و همکاری دیپلمات های ایرانی برخوردار بوده است. از سوی دیگر، دستگاه قضائی ترکیه گروه "عمل اسلامی" را به اتهام قتل دهها روشنفکر لائیک ترک در ۱۹۹۰ و هم چنین ربودن پناهجویان ایرانی در ترکیه و تحویل آنان به مقامات جمهوری اسلامی ایران، تحت پیگرد قانونی قرار داده است. دولت ترکیه که ابتدا در نظر داشت از بروز بحرانی سیاسی در مناسبات میان دو کشور جلوگیری بعمل آورد، در ۹ آوریل ۹۶ هیئت نمایندگی به سرپرستی علی توپگان، یک از مقامات وزارت خارجه خود را به ایران فرستاد تا از جمهوری اسلامی بخواهد که بدون هیاهو چهار دیپلمات خود را (که نام هایشان در بازجویی های عرفان کاگیرسی بدست آمده) به ایران فرابخواند. با این حال، جمهوری اسلامی با پیش دستی چهار دیپلمات ترک در ایران را متهم به جاسوسی کرد و موافقتنامه اخیر میان ترکیه و اسرائیل را سخت مورد حمله قرار داد (لوموند ۱۷ آوریل ۹۶). در همین رابطه، روزنامه الشرق الاوسط در شماره ۱۹ مارس ۹۶ خود گزارش کرده بود که براساس منابع رسمی وزارت کشور ترکیه، سازمان تروریستی "عمل اسلامی" دست کم مسئول ترور سنی شخصیت معروف ترکیه است. افراد این گروه یا در ایران و یا در پایگاههای نظامی سپاه پاسداران در لبنان آموزش می بینند. از جمله اتهامات این گروه شرکت در قتل سردبیر روزنامه "حریت" است. لازم به یادآوری است که به دنبال تنش ها، دولت ترکیه سفر از قبل پیش بینی شده غلامحسین بلندیان، معاون امنیتی وزیر کشور ایران، به خاک ترکیه را لغو کرد.

## حمایت جمهوری اسلامی ایران از حزب الله لبنان

شیخ نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان، طی گفتگویی با مجله عربی زبان الوسط، چاپ لندن، برای نخستین بار اظهار داشت که سازمانش از جمهوری اسلامی ایران کمک مالی دریافت می کند. او گفت: "ما برخورداریم از حمایت جمهوری اسلامی را پنهان نمی کنیم و لزومی هم ندارد تکذیب کنیم که از ایران کمک های مالی و سیاسی می گیریم." (به نقل از کیهان چاپ لندن، پنجشنبه ۴ آوریل ۹۶).

## حمایت جمهوری اسلامی از عملیات تروریستی حزب الله ترکیه

در هفته های گذشته مناسبات سیاسی ترکیه و ایران رو به وخامت نهاد. علت این وضعیت فاش شدن همکاری جمهوری اسلامی ایران و سفارتخانه آن در آنکارا با گروه تروریستی "عمل اسلامی" در ترکیه بوده است. پلیس ترکیه در مارس ۹۶ عرفان کاگیرسی، عضو بسیار فعال این گروه را دستگیر

## دستگیری ۲۹ تن در آذربایجان به اتهام جاسوسی

به گزارش خبرگزاری فرانسه (به نقل از ایرانا خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳ آوریل ۱۹۶) در سال گذشته ۲۹ تن به اتهام جاسوسی در آذربایجان ایران دستگیر شده اند و مقامات امنیتی ایران هنوز هیچ اطلاعاتی در مورد دستگیرشدگان اعلام نکرده اند. اما، همین مقامات اظهار داشته اند که در سال گذشته نیز ۲۳ "صدانقلابی مسلح" در خوزستان دستگیر شده اند. علی فلاحیان، وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی، طی مصاحبه مطبوعاتی (در ۱ آوریل ۱۹۶) اعلام کرد که ۸۹ تن به اتهام "جاسوسی برای عراق" در منطقه خوزستان دستگیر شده اند.

## توقیف هفته نامه بهار

نشریه ایران خبر در شماره ۲۵ اسفند ۷۴ خود گزارش کرد که هفته نامه بهار (متماثل به خط فکری روزنامه سلام) توقیف شد. تاکنون از این هفته نامه تنها سه شماره منتشر شده و سردبیر آن سعید پورعزیزی بوده است. به گزارش ایران خبر چاپ مقاله ای تخصصی درباره آنتن های ماهواره ای و نیز گفتگو با دانشجویان درباره انتخابات و دلسردی آنان در این باره، می توانند از جمله دلایل توقیف نشریه مزبور باشند. با این حال، در نامه هیئت نظارت بر مطبوعات خطاب به مدیر مسئول هفته نامه بهار در مورد توقیف این نشریه تنها به ذکر این نکته بسنده شده که "روند این نشریه مغایر اصول مندرج در قانون مطبوعات تشخیص داده شده و بنابراین [...] چاپ و انتشار آن غیرمجاز میباشد".

## توقیف دو روزه روزنامه سلام

روزنامه سلام به مدت دو روز و در گرما گرم فعالیت های انتخاباتی از سوی دادستان ویژه روحانیت توقیف شد و علت آن را "نقض فرمان امام خمینی و تشویش اذهان عمومی" اعلام کردند. در همین رابطه، دادستان داسرای ویژه روحانیت در مورد دلیل توقیف سلام، افزود: این روزنامه نقل قولی خلاف واقع درج کرده بود، یعنی گفته بود که جلسه هیئت نظارت بر انتخابات با حضور یکی از اعضای دفتر رهبری تشکیل شده است. در پی انتشار مجدد روزنامه سلام، "سرویس خبر" آن طی گزارشی درباره چگونگی توقیف این روزنامه نوشت: "روز چهارشنبه هفته پیش - ۱۶ اسفند - که روزنامه سلام در ۲۸ صفحه آماده چاپ بود یک گروه هشت نفره مسلح در ساعت نیم بامداد وارد چاپخانه غدیر می شود و با ارائه حکم دادستان ویژه روحانیت از

چاپ سلام جلوگیری می نماید. مدیر چاپخانه بلافاصله مراتب را با اطلاع مدیر مسؤول می رساند و مدیر مسؤول سلام ضمن تماس تلفنی با چاپخانه غدیر از یکی از مأموران در رابطه با مفاد حکم توضیحاتی می خواهد که در پاسخ گفته می شود: «دستور کتبی دادستان را همین امشب به رؤیت شما خواهیم رساند.» گزارش می افزاید که: "سپس به فاصله نیم ساعت از روزنامه سلام با مدیر مسؤول تماس گرفته و اطلاع داده می شود که یک گروه چهار نفره وارد ساختمان تحریریه شده اند و اعلام می کنند چون روزنامه سلام توقیف شده است لازم است از تحریریه و قسمت های مختلف دفتر روزنامه مراقبت کنند تا اطمینان حاصل شود که روزنامه چاپ نخواهد شد و سرانجام در ساعت ۲.۳۰ بامداد روز چهارشنبه حکم دادستان ویژه طی نامه ای در منزل شخصی مدیر مسؤول سلام به وی ابلاغ می گردد. بنا به گزارش یاد شده مدیر روزنامه در پاسخ به سؤال خبرگزاری جمهوری اسلامی گفته است که این روزنامه به مدت دو روز توقیف شده، اما هیچ دلیلی در حکم دادستانی راجع به این توقیف آورده نشده است. روزنامه سلام سپس به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی توضیحات دادستان ویژه روحانیت را در همین زمینه درج نموده است که اعلام داشته: "روزنامه سلام به اتهام نقض فرمان امام خمینی (ره) و تشویش اذهان عمومی توقیف شده است." به گفته سلام بالاخره دادستان اعلام نمود که "روزنامه سلام در روز ۱۵/۱۲/۷۴ طی خبری مدعی شده است که جلسات هیئت نظارت بر انتخابات با حضور فردی از اعضای دفتر خامنه ای تشکیل شده است و انتشار این مطلب در صورتی است که بارها از سوی دفتر رهبری به صورت شفاهی و کتبی از رسانه ها خواسته شده بود که به دلیل حساسیت و اهمیت مطالب مربوط به جایگاه ولایت فقیه، نشریات حق انتساب هیچگونه مطلبی به رهبر معظم انقلاب یا دفتر ایشان بدون اخذ تأییدیه ندارند." لازم به ذکر است که دادگاه ویژه روحانیت در سال ۷۲ نیز به همین اتهام موسوی خوئینی ها را محاکمه و به محرومیت از مدیریت مسؤول این روزنامه و سلب صلاحیت از کار مطبوعاتی به مدت سه سال محکوم کرد که اینبار این محکومیت به ۵ سال افزایش یافته. البته این حکم جنبه تعلیقی دارد.

## قصه قتل کتاب

سانسور قلم و اعمال فشار بر نویسندگان و روشنفکران ایران آنچنان دامنه اش گسترش یافته که برخی از محافل و نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی از جمله گردانندگان هفته نامه عصر ما ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که خود از نخستین مدافعان و پایه

گذاران سانسور و اختناق و منادیان شکستن قلم های دگراندیشان بودند، را به شکوه واداشته است. از جمله این شکوه ها که تنها گوشه ای از اعمال سانسور و اختناق از سوی جمهوری اسلامی را بیان می کند، نامه ای است که با "امضای محفوظ" در شماره ۳۵ نشریه عصر ما درج شده است. بخاطر اهمیت موضوع، عیناً این نامه را در زیر نقل می کنیم: "به نام خداوند مهربان، در خراسان ولایت را به مردی سپرده بودند که به امور حکومت هم بی اعتنا بود و هم نااشنا. روزی زنی به دادخواهی نزد وی رفت و خیر از او ندید. گفت: ذاتی از چه رو خلیفه تو را ولایت داده است. گفت نی. گفت: از آن رو که بنگرد آیا امور خراسان بدون والی می گذرد یا نه! اکنون داستان ناشران و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ماجرای آن زن و والی خراسان است. ظاهراً آقای رئیس جمهوری می خواهد بنگرد که امور این وزارتخانه بدون وزیر می گذرد یا نه؟ به نظر می رسد جناب آقای مصطفی میرسلیم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مطلع نیست که چند ماهی است در دیوانسالاری تحت ولایت ایشان به قتل نشر و ناشر و کتاب و فرهنگ کمر بسته اند. وظیفه وزارتخانه ای که توسعه فرهنگ است، چند صباحی است که به دست متولیان مسئول آن تحدید فرهنگ معنا می شود. مدتیست که اداره بررسی کتاب این وزارتخانه به ادراة دیو و انبار کتاب تبدیل شده است و صدها عنوان کتاب در پشت صافیهای این اداره خاک می خورد. بر بخشی ایراد وارد کرده اند و درباره تعداد زیادی مهر سکوت بر لب زده اند. در نظام جدید گزینش و بررسی کتاب وزارت ارشاد، تا آنجا که نگارنده مطلع است، این بزرگان مردود شده اند: سعدی علیه الرحمه که قبلاً در گزینش دانشگاهها حداقل امتیاز قبولی را کسب کرده بود، حافظ رحمه الله، شیخ بهایی قدس سره، نظامی گنجوی اعلی الله مقامه الشریف و بانوی نکوی نام پروین اعتصامی. باور کردنی نیست ولی حقیقت دارد، بر گزیده گلستان سعدی عیب گرفته اند، دیوان شیخ بهایی را ایراد کرده اند، قطعه ای از پروین اعتصامی را دستور حذف کامل داده اند، استناد ادیبی فرزانه را به لسان الغیب غیرقابل قبول اعلام کرده اند و انتشار "لیلی و مجنون" نظامی گنجوی را به جرم جنون مجنون مانع شده اند. می گویند اینها نقداً از نتایج سحر است و صبح دولت مسئولان جدید هنوز ندیده است. در حال حاضر ناشران فعال حداقل ۱۰ تا ۳۰ عنوان کتاب در اداره بررسی کتاب خوابانده اند و عملاً نشر هر روز در پی جواب پشت در اتاقهای این اداره این پا و آن پا می کنند اما کس نیست که پاسخ شان گوید. که گاه از مرجعی دستور خمیر اثری می رسد و البته بدون توضیح و توجیه، و جالب تر آنکه

فردای آن روز مرجع دیگری رد خمیر می کند اما مجوز پخت نان هم نمی دهد و نان ناشر همچنان آجر باقی می ماند. اگر این سیاست مدتی دیر دوام یابد، ناشران که از حلقه های ضعیف گردونه اقتصادی کشوراند، چاره ای جز حلال کردن مهر و رها ساختن جان خود نخواهند داشت. فی الواقع تأسف آور است که جاهلی در روز دوشنبه ای که همه می خریدند سنگی را به چاهی می اندازد و متولیان عقل و فهم جامعه هم اجازت ارتکاب چنین عملی را می دهند اما بعداً به جرم این سنگ اندازی بلخی، دستور می دهند که گردن همه مسگرهای شوشتری را بزنند اصل را بر مجرمیت گرفته مگر عکس آن ثابت شود. ناشری که سالانه بیش از یکصد عنوان کتاب به زیور طبع می آراست اکنون که در حال ورود به فصل چهارم سال هستیم تنها یک پنجم آن را از زیر چاپ خارج کرده است و گره فروخته این کار نیز فعلاً در میان مسئولان کتاب وزارت ارشاد این دست و آن دست می شود. این در حالی است که لحظه لحظه از ارزش سرمایه ریالی ناشر کاسته می شود و امید به تحقق برنامه های از قبل طراحی شده نیز زایل گردیده است. یا این روند اگر خوب دیگری بر بار آنگینه اش وارد شود همه زندگی اش به هیچ مبدل می شود. و البته به رغم این وخامت اوضاع، از بیم آنکه از منجنيق ارشاد سنگ بیشتری بر ناشران نیارد و فتنه انگیز نخواهند، همه چاره را در سکوت دیده اند و ظاهراً متولیان امور نیز آن را علامت رضا تلقی کرده اند. دیگر تمسخر آمیز است که از ضرورت های فرهنگی سخن به میان آید، تنها از بُعد نان و آب می گویم که سیاست بستن، ره به ترکستان می برد. جامعه نشر ایران بیش از این نمی تواند بار عشق و مفلسی را هر دو با هم بکشد. تیرعاشق کش را مدتهاست که بر دل ناشر زده اند منتها کس نیست که چکیدن خون را بنگرد. سخن ما محض صواب است و عین خیر که فرزند این انقلابیم و رعیت مردم، نه بدخواه کس هستیم و نه سر ستیز با فرد و مقام و اداره و سازمانی داریم، فرخنده آن کس که سخن ما را به سمع رضا پشتود و در صدد چاره مشکل برآید که با فرهنگ و حاملان آن این رسم رفاقت نیست. صد البته آگهیم که لطف خدا بیشتر از جرم ماست، در غیر این صورت مصداق این سخن ملا نصرالدین می شدیم که روزی در اثنای موعظه خطاب به مردم گفت: "ایها الناس خدا را سپاسگزار باشید که به شتر پر و بال نداد والا می پرید و بر فراز خانه شما می نشست و سقف خانه بر شما خراب می شد."

### نوروز چهار عضو حزب دمکرات کردستان در آریل

دفتر نمایندگی حزب دموکرات کردستان

ایران با انتشار اطلاعیه ای، به تاریخ ۲۸ اسفند ۷۴، اعلام کرد که چهار تن از اعضای آن به دست تروریست های اعزامی جمهوری اسلامی ایران کشته شدند. این چهار تن در ساعت ۵،۳۰ بعد از ظهر در بهرکو یکی از توابع استان آریل عراق هدف رگبار مسلسل تروریست های اعزامی ایران قرار گرفتند و کشته شدند. اسامی کشته شدگان عبارتند از: (۱) فرامرزی کشوری (۱۷ ساله)، (۲) عثمان رحیمی، (۳) طاهر عزیزی، (۴) حسن ابراهیم زاده. همین اطلاعیه می افزاید که در جریان این واقعه، چهار تن دیگر از اعضای حزب دمکرات کردستان زخمی و سپس در بیمارستان منطقه بستری شدند.

### جمهوری اسلامی بر کرسی اتهام دادگاه برلن (۱۹)

چهارشنبه ۷ فوریه ۹۶: در این جلسه گزارش کارشناس پلیس آلمان درباره اصل متن نامه فاکس شده ای از ایران برای دارابی قرائت شد. بر اساس این نامه، دارابی مبلغ پنجاه هزار مارک به شرکت ارسال کننده نامه بدهکار است. تحقیقات کارشناسی پلیس آلمان با ذکر جزئیات مفصل حاکی از این بود که نامه مزبور تقلبی است و کلیه قطعات آن از سربرگ گرفته تا قسمت زیر نامه و همینطور متن آن همگی به یکدیگر مونتاژ شده اند.

دوشنبه ۱۹ فوریه ۹۶: پس از رسمیت یافتن جلسه، رئیس دادگاه اعلام کرد که شاهد این روز خواهر زن دارابی، خانم عیاد، در جلسه دادگاه حاضر نشده است. یکی از وکلای دارابی نیز که تقاضای شهادت این خانم را در این روز کرده بود، از عدم حضور شاهد در جلسه دادگاه اظهار بی اطلاعی کرد و افزود: فکر می کنم که آستن است و پا به ماه. وکیل دارابی سپس گفت که بعداً به اطلاع دادگاه خواهیم رساند که آیا هنوز مایلیم که این خانم بعنوان شاهد در دادگاه حاضر شود یا نه. بعد از آن ترجمه عربی گزارش کارشناسی پلیس آلمان که در جلسه پیش ارائه شده بود و هم چنین در پایان ترجمه نامه فارسی که از میانداوب ایران به آدرس دادگاه فرستاده شده بود، خوانده شد. این نامه از طرف پدر و مادر و زن فردی نوشته شده بود که (به گفته نامه مزبور) در سال ۱۳۶۳ در کردستان توسط حزب منحل و خائن دمکرات کردستان شهید شده است. هم چنین در این نامه آمده بود: "ما شنیده ایم که دادگاهی در آلمان در مورد این حزب دایر شده است. لذا، از شما می خواهیم که این حزب را منحل و ممنوع و از آلمان اخراج کنید." رونوشت این نامه به ۱۲ مرجع مختلف فرستاده شده است از جمله به: صدراعظم آلمان فدرال، اشعیت باوئر هماهنگ کننده سازمان های اطلاعاتی آلمان، وزارت خارجه آلمان، وزارت خارجه ایران و...

پنجشنبه ۷ مارس ۹۶: رئیس دادگاه با اشاره به امکان حضور سه شاهد از ایران در جلسه دادگاه اعلام کرد که دادگستری آلمان از سفارت آلمان در تهران خواسته است که این موضوع را دنبال کند. سپس یکی از وکلای دارابی، پانکا، نامه اعتراضی را در جلسه دادگاه خواند و خواست که این نامه بعنوان سند ضمیمه بایگانی دادگاه شود. در این نامه آمده بود: در دو جلسه مربوط به شهادت کلاس گرونه والد در ماههای ژانویه و فوریه ۱۹۹۶، نامبرده خلاف حقیقت شهادت داده و هنگامی که نیز از سوی ما و بویژه من سئوالاتی در اعتراض طرح شد، رئیس و مخیر دادگاه جانب گرونه والد را گرفتند. رئیس دادگاه در پاسخ اظهار کرد: اولاً براساس پروتکل دادگاه شما در جلسات مربوط به شهادت کلاس گرونه والد حضور نداشته اید که احتمالاً سئوالی طرح کنید و ثانیاً اطلاعات شما شنیده هایتان از سوی آقای کولوگه [یکی دیگر از وکلای دارابی] است که ماجرا را برایتان تعریف کرده است. کولوگه در پاسخ اظهار داشت: این نامه، کار مشترک وکلای دارابی است که آن را تنها آقای پانکا امضاء کرده است. پانکا با عصبانیت خطاب به رئیس دادگاه گفت: بالاخره ما هم باید حق اعتراض داشته باشیم. بعد از آن دادگاه کار خود را با شهادت فان ترک (از اداره فدرال پلیس آلمان) دنبال کرد. نامبرده که تاکنون چندین بار بعنوان شاهد در جلسه دادگاه حضور یافته، اینبار می بایست به چند سئوال فنی درباره امکان تماس تلفنی از طریق دستگاه تلفن بی سیم از هامبورگ به برلن و همینطور به عکس و بالاخره درباره جعفر خلیلی و... پاسخ می داد. در این بین متهم ردیف پنجم، ایاد، نسبت به شاهد اعتراض نمود و خطاب به او گفت که: چرا در بازجویی سال ۱۹۹۲، طوری دستت را بالا بردی که گویا می خواستی مرا بزنی (وی این عبارت را چند بار با عصبانیت تکرار کرد). شاهد در مقابل اظهار داشت که چنین چیزی هیچگاه اتفاق نیافته است. وکیل یوسف امین، پروسیوس، از فان ترک پرسید: پلیس آلمان اطلاعات خود را در مورد سید محمد یوسف امین مبنی بر اینکه او در سال های ۸۴-۸۳ مواد منفجره به آلمان وارد کرده، از کجا به دست آورده است؟ فان ترک در پاسخ گفت: اطلاعات مربوط به همکاری امین با حزب الله لبنان در سال ۹۰ دریافت شد و عکس و اطلاعات مربوط به مواد منفجره، در سال ۹۲ در اختیار کمیسیون ویژه میکونوس قرار گرفتند. در بخش دوم جلسه دادگاه وکیل جدیدی در جایگاه وکلای دارابی قرار گرفت. رئیس دادگاه از او پرسید: شما که هستید و اینجا چه می کنید؟ نامبرده پاسخ داد: نماینده خانم مشکات کیل وکیل دارابی هستم. رئیس دادگاه گفت: خانم مشکات کیل وکیل

تسخیری دارایی است و علاوه بر او نیز دو وکیل دیگر از دارایی دفاع می کنند و شما نیز نمی توانید بدون اطلاع قبلی به دادگاه بعنوان وکیل جدید در جلسه حاضر شوید. بنابراین، یا یکی از وکلای دارایی در اینجا حاضر می شود یا جلسه دادگاه تعطیل می گردد. پس از بیست دقیقه، عاقبت گولوگه یکی از وکلای دارایی در دادگاه حاضر شد.

پنجشنبه ۱۴ مارس ۹۶ : در این روز کمیسر هوفمان (از پلیس فدرال آلمان) بعنوان شاهد در دادگاه حاضر شد و در دو مورد، گزارشی به دادگاه ارائه کرد : (۱) موضوع اقامت دارایی در شب ۱۳-۱۴ سپتامبر ۹۲ در هتلی واقع در هامبورگ و (۲) نتایج تحقیقات او در مورد قتل بهمن جوادی (غلام کشاورز) در خاک قبرس. وی در مورد موضوع اول گفت : ساعت ورود خانواده دارایی به هتل مشخص نیست. زیرا بر روی صورت حساب هتل ساعت ورود آنان قید نشده است. اینکه آنان چند نفر بوده اند دقیقاً نمی دانم. ولی حدس می زنم که آنان ۵ نفر در یک اتاق سه تخت خوابه بوده اند. و بالاخره اینکه آنان چه ساعتی برلن را ترک کرده اند بر وی روشن نیست. در مورد موضوع دوم، هوفمان اظهار کرد : در ژانویه ۹۳ نامه ای از سوی پلیس بین المللی سوئد دریافت کردیم که در آن پلیس سوئد اعلام می کرد که از سوی شورای پناهندگان و مهاجران ایرانی اطلاع یافته که دولت ایران در ترور غلام کشاورز دست داشته است. پس از این نامه من [هوفمان] به همراه دو همکارم به قبرس رفتم و مدارک مربوط به ترور را از نزدیک مطالعه کردیم. پس از این بررسی ما به این نتیجه رسیدیم که صدافخه کن اسلحه ای که با آن غلام کشاورز را به قتل رسانده اند درست از همان نوعی است که در ترور میکونوس و هم چنین ترور خلبان سابق رفسنجانی محمدی، بکار گرفته شده است.

پنجشنبه ۲۱ مارس ۹۶ : کمیسر پلیس فدرال آلمان بعنوان شاهد در دادگاه حضور یافت تا به چند سؤال باقی مانده پاسخ دهد: او مسئول تعیین هویت ترورشدگان رستوران میکونوس بوده است. به همین خاطر وی مشخصات کامل چهار قربانی ترور و یک نفر زخمی را مطرح کرد و سپس به طور کوتاه در مورد زندگی سیاسی هر یک از آنان گزارشی ارائه نمود. سپس او شرایط بازرسی خانه عتریس در ۴ اکتبر ۹۲ و همینطور چگونگی بازرسی و تفتیش خانه و اعضاء خانواده و رفتار پلیس با آنان را تشریح کرد. وی اظهار داشت از آنجا که به آنان اطلاع داده شده بود که در اوت ۹۲ و در مناسبتی دیگر در خانه عتریس اسلحه یافت شده بود، لذا آنان با احتیاط بسیار به خانه او رفته بودند. او سپس به چگونگی بازجویی از بردار عتریس به نام شوقی پرداخت که قصد داشت با پاسپورت یکی از متهمان اصلی، رائل، آلمان را

ترک کند. او هم چنین در مورد بازجویان، تعداد و محل بازجویی ها و وضعیت روحی متهم توضیحاتی ارائه کرد که با اظهارات بعدی شوقی عتریس در دادگاه مطابقت نداشت. در انتها شاهد به نحوه بازرسی خانه یکی دیگر از متهمان، ایاد، پرداخت و توضیحاتی نیز در مورد وضعیت خانوادگی و نحوه یافتن آدرس او به دادگاه ارائه کرد. بالاخره شاهد یکبار دیگر شرایط بازجویی محمد جراره را که بر اساس اعترافات او ایاد را دستگیر کرده بودند، تشریح نمود.

پنجشنبه ۲۸ مارس ۹۶ : در این روز رئیس دادگاه ابتدا نظر هیئت قضات را درباره تقاضاهای وکلای دارایی درخواست کرد. پاسخ هیئت قضات به شرح زیر بود : (۱) تقاضای وکلای دارایی برای شهادت علی فلاحیان و محمود امانی فراهانی، کنسول سابق ایران در برلن، رد شد، چرا که این دو غیرقابل دسترس اعلام شدند. (۲) تقاضای وکلای دارایی مبنی بر شهادت کمیسر پلیس فدرال آلمان، پنز، در مورد اطلاعات بیشتر از سوی سازمان خدمات اطلاعاتی انگلستان BSSO رد شد، چرا که سازمان مزبور با دادن اطلاعات بیشتر مخالفت می کند. (۳) تقاضای شهادت نمیمی، کارمند هتل در هامبورگ در ۱۳ سپتامبر ۹۳ که اکنون نیز ساکن امریکا است رد شد، چرا که نامبرده حرف جدیدتری به خاطر نمی آورد. (۴) و بالاخره تقاضای یوسف امین و وکلایش برای احضار کارشناسان امور غواصی نیز رد شد. سپس وکلای خانواده شرفکنندی تقاضای خود را به شرح زیر تسلیم دادگاه کردند: ما تقاضا می کنیم (۱) پرونده تحقیقات دادستانی کل در مورد علی فلاحیان به دادگاه ارائه شود. (۲) ایرند اشمیت باوئر وزیر هماهنگ کننده سازمانهای امنیت آلمان در دفتر صدراعظم، رودلف ورنر مسئول بخش ۱ سازمان ضدجاسوسی آلمان BND و گرهارد گویش مسئول بخش ۲ سازمان ضدجاسوسی آلمان به عنوان شاهد در دادگاه حاضر شوند تا در مورد مطلب زیر اظهار نظر کنند : کارمندان سفارت جمهوری اسلامی ایران در بُن کمی پس از ترور میکونوس، یعنی در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۹۲، پایان سوءقصد از سوی مأموران امنیتی ایران را به تهران مخابره کرده اند و در این خبر اسامی و محل های اقامت سوءقصدکنندگان ذکر شده است. دیگر وکلای شاکیان خصوصی از این تقاضا پشتیبانی کردند. دادستانی کل نیز اعلام کرد که نظرش را در این باره در هفته آینده اعلام خواهد کرد و سپس نسخه ای از حکم جلب علی فلاحیان را در اختیار دادگاه گذاشت.

\* معرفی کتاب: رها (م.)، حقیقت ساده، دفتر آخر (جلد سوم)، هانفر (آلمان)، ناشر: تشکیل مستقل دموکراتیک زنان ایرانی در هانفر، ۱۳۷۴

۲۴۳ ص.

این کتاب دفتر سوم از خاطرات ۹ سال اسارت در زندان های جمهوری اسلامی ایران است. نویسنده این دفترها، زنی است که از سال ۶۰ تا ۶۹ در زندان های گوهردشت، اوین و... زندانی بوده است. او که از سال ۱۳۷۱ شروع به انتشار خاطرات خود کرده است در این سه کتاب آنچه را که در زندان های جمهوری اسلامی دیده و تجربه کرده است بازمی گوید : شرح شکنجه ها، اعدام ها، آزارهای روحی و جسمی طاقت فرسا که در بسیاری موارد به جنون و خودکشی زندانیان می انجامد و خلاصه شرح چگونگی درهم شکستن انسان هایی که همانند اسلامیان حاکم نمی اندیشند... نویسنده در مقدمه دفتر اول می نویسد : "شکی نیست که نوشته حاضر نمی تواند جامع حوادث زندان باشد، چه من تنها به نوشتن آنچه که خود دیده ام و آنچه که در خاطرم بوده اکتفاء کرده ام. مسلماً این تنها گوشه هایی است از آنچه که در زندان های جمهوری اسلامی ایران گذشته است." و در مقدمه دفتر سوم خاطرات خود می نویسد : "جزئی کوچک از تاریخ روزهای سیاهی را نوشته ام که دور نیست، همین دیروز است یا دیشب و هنوز پایان نیافته. این است که هر خواننده ای تجربه ها و خاطره های خود را در آن می جوید. خواننده این دغترها، تنها خواننده ای ناظر نیست، خود و گذشته اش را در پیوندی تنگ با آن می بیند [...]"

\*\*\*\*\*

### نشانی کمیته :

Le Comité Iranien Contre la Répression et le Terrorisme d'Etat (C.I.C.R.E.T.E.),  
42- Rue Monge, 75005 Paris-France,  
Fax:(33-1)43441452

شماره حساب پستی برای کمک های مالی :

C.C.P.  
3943263 W la source France

\*\*\*\*\*

### با خوانندگان :

هزینه تهیه و توزیع هر نسخه خبرنگارانه حدود دو دلار آمریکا، ده فرانک فرانسه، یک لیر انگلیس، دو فرانک سوئیس و سه مارک آلمان است. با کمک مالی خود بخشی از این هزینه ها را تأمین کنید:

- با ارسال وجه نقد، چک یا حواله بانکی، تمبر پست و کوین بین المللی پستی می توانید به تداوم خبرنگارانه یاری رسانید.

- در توزیع بیشتر خبرنگارانه سهیم شوید.

- خبرنگارانه را بخوانید و به دیگران بدهید.

- تکثیر و توزیع خبرنگارانه با ذکر مأخذ آزاد است.